



۲۰۱۶/۰۴/۲۵

عبدالرحمن فرقانی



## هفت و هشت ثور؛ از نابودی کمونیزم تا تسلط امپریالیزم

هفت و هشت ثور دو رویداد متفاوتیکه در تاریخ بشریت تحول بزرگی را رقم زد، اگر از یک سو حوادث رویدادهای مذکور در سرزمین پر افتخار و حماسه آفرین و کوههای پر عظمت و سربلند افغانستان اتفاق افتاد. اما از سوی دیگر تأثیرات بزرگ و عمیق آن به تمام جهان به شکلی سرایت نموده است، که تحولی بسا بزرگی در طرز تفکر، دیدگاه های فکری و دینی و نوعیت برخورد جهت رسیدن به اهداف و پلانهای مرموز استخباراتی، نظامی، سیاسی و اقتصادی ... را بار آورد، و اگر ما افغانها از یک سو قادر برین شدم تازیبامدهای پلید هفت ثور بشریت را نجات دهیم و اما از سوی دیگر قیادت ما افغانها و اغلب جریانهای اسلامی جسورانه باید اعتراف نماید، که نه توانستند، تا حماسه هشت ثور را به منفعت خویش و بشریت مدیریت و حفظ نمایم و متأسفانه تا اکنون پیامدهای هفت و هشت ثور در مجموع به منفعت استعمار غرب تمام شده و ملت قهرمان افغانستان و در مجموع امت اسلامی با همه ایثار و قربانی را که درین راستا متحمل شده است از آن فیضی نه برده است.

اگر ما می خواهیم، منطق و استدلال این ادعا را دریابیم، ناگزیریم تا اقلاً حوادث چهار دهه اخیر جهان را به گونه رد یابی نمایم، که چگونه استعمار غرب حوادث مذکور را به منفعت خویش مدیریت نموده است. اما اگر این حوادث را به شکل مفصل توضیح دهیم و یا آن را بررسی نمایم، شاید این نوشتار به حدی طولانی شود، که حوصله خواندن آن برای عده کثیری در جهانیکه مصرفیتهای فراوان بر زندگی ما مسلط کرده است، فراهم نباشد، با این هم ما تلاش خواهیم نمود تا به گونه بسیار فشرده پدیده مذکور را توضیح نمایم.

غرب همواره در طول تاریخ در تقابل با کمونیزم و جهان اسلام و کشور های جهان سوم سیاست دو رو، سه رو و حتی چند رو را بازی کرده است، جهت مصونیت مصلحتهای مادی خویش همواره استقلال، اراده و سرنوشت سیاسی کشورهای موصوف را زیر پا نموده است، جهت حاکمیت و سیطره همه جانبه و فراگیر بر جهان همواره کشورهای مذکور را در برابر کشورهای رقیب خویش به جبهه گیری تشویق نموده است، در میان حکومتها و ملتهای کشورهای مذکور همواره عوامل تفرقه و فاصله را ایجاد نموده است، جهت به میان آوردن و یا فراهم نمودن فضاء بینظمی و عدم قانونیت همواره تلاش نموده است، در مورد تطبیق دیموکراسی روش غیر منطقی و غیر منصفانه را در بر گرفته است، در مورد ربط مفاهیم تروریسم، افراط، وحشت، تندروی و دهشت با دین مبین اسلام و برای پدیده های مذکور جهت دریافت شواهد از بطن جهان اسلام و خود مسلمانان تلاش ورزیده است، تحت عنوان مبارزه با تروریسم، افراطیت، وحشت، تندروی ... در جهان اسلام و میان مسلمانان آتشی را شعله و رساخته است، که افراد جهان اسلام در آن زندگی خویش را به گونه بی رحمانه از دست میدهند، سریال تبعید، تهجیر، و کشتار مسلمانان به شکل افتضاح آمیز جریان دارد.

غرب همواره تحت عنوان و ذریعه شعار های فریبکارانه مبارزه با تروریسم و افراطیت جهت مداخله در امور کشوره ای جهان اسلام و جهان سوم برای خویشتن راه را هموار میکند، نه از لحاظ مادی برای کشورهای مذکور حقوقی را فراهم نمود که نظامهای دیموکراتیک آنرا برای اتباع کشورهای خویش در غرب فراهم میکند، و نه هم آن تروریسم و افراطیت ی را از پا در آوردند، که اینها جهت محو آن به کشورهای جهان اسلام و جهان سوم تشریف آورده اند! سپس مشکل در پهلو این بحث که برخی از محللین به آن اشاره میکنند: "ما مسلمانان بی انصافی میکنیم، که هر مشکل و مصیبت را بر دوش قوت استعماری غرب می اندازیم در کجاست؟ آیا مشکل در حکومتهای جهان اسلام و یا جهان سوم نهفته است؟ و یا اینکه مشکل در اساس آن به غرب بر میگردد؟ و چرا اتباع کشورهای جهان سوم و جهان اسلام و بخصوص مردم ستمدیده و زجر کشیده افغانستان، که اصولاً زجر و ستم تحمل شده خویش را در مقابل همه بشریت میبندارد، با یاس و نا امیدي روبرو گردیده اند؟

آنچه که در تاریخ معاصر جهان باعث تحول و تغییر عمیق و به میان آمدن ارزیابیها و سنجشهای جدید گردید، تجاوز روسها بالای افغانستان (هفت ثور) و بالاخره شکست افتضاح آمیز آنها در کوه های شامخ این دیار یا (هشت ثور) بود. اتفاق مذکور در تاریخ معاصر دقیقاً سمت و سو های جدید را برای داد و ستد استعمار با جهان به میان آورد، در میدان جهاد افغانستان بر اساس اندیشه های جدید جریان های تازه سر بلند کرد، طور مثال با عرب های برگشته از میدان جهاد افغانستان عزم وارده مبارزه با استبداد خلق شد، در کشورهای مستعمره جهت استقلال و نیل به آزادی عزم وارده

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې دليکنيزې ښي پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

مبارزه مسلحانه به میان آمد، حتی با امپراطوری شکسته و از هم گسسته روس نیز فکر و اندیشه ضرورت و نیاز ساز گاری با ارزشهای نظام مادیاتی "اشتراکیت" به میان آمد، با غرب باور و عقیده سرکوب نمودن روحیه جهاد و دشمنی با مسلمانان به میان آمد...

این یک واقعیت انکارناپذیر است، که محور رونما شدن حسابها، سنجشها، موقفها و دیدگاهها جدید در جهان همانا جهاد افغانها در مقابل تجاوز وحشتناک کمونیزم علیه افغانستان است، و حقیقت اینست، که جهاد افغانستان ساختار جدید جهان و نحوه جدید مبارزه و تاکتیک را به سطح جهان به میان آورد، انواع جدید مبارزه در جهان اسلام از طرف غرب علیه مسلمانان و از طرف مسلمانان علیه غرب به میان آمد، همگام با شکست و سقوط امپراطوری روس موقوف غرب در برابر جهان اسلام تغییر نمود، جهان اسلام مبعده حیثیت دشمن درجه اول را برای غرب کسب نمود، نه اینکه صفت و حیثیت یک دوست و متحد را که قبل از سقوط و یا شکست روسها داشت، داشته باشد، غرب انگیزه ایناگرگی بار آمده از جهاد افغانستان را که در مسلمانان جهان احساس مبارزه با استعمار، استبداد را می آفراید، درک نموده بود، لذا بیدرنگ در جلوگیری از به میان آمدن یک حکومت اسلامی واقعی در افغانستان پرداخت، و امکانات به میان آمدن یک حکومت واقعی اسلامی در افغانستان را که تا حدی میسر شده بود از میان برداشت و تلاش ورزید تا این آرمان مقدس مسلمانان در افغانستان و جهان متحقق نه شود.

خواهی نه خواهی این یک حقیقت آشکار و روشن است، که در عصر حاضر تمام بشریت مرهون اینار و قربانی افغانهاست، چونکه افغانها در رهایی تمام بشریت از یک نظام خونخوار و وحشتناک نقش اساسی را ایفا کرد، و باید در مقابل اینار و قربانی افغانها وجدان تمام بشریت به گونه به پیش افغانها ملامت و مسوول می بود، طوریکه که وجدان اروپا و غرب در مقابل حادثه مزعوم "هولوکست!" برای یهودها ملامت و احساس خجالت میکنند!

اما با تاسف که غرب در مقابل اینار و قربانی افغانها آنزمان جفای بزرگ را مرتکب شدند، که بر اساس اصول دیموکراسی در خانه خویش تهداب یک نظام غیر ملی و دیموکراتیک را گذاشتند، تحت شعار دیموکراسی بر خلاف دیموکراسی اقتدار را در میان برخی از گروه های سیاسی و نظامی بر اساس زور و نفوذ نظامی تقسیم کردند و گروه های مختلف موثر و غیر موثر از چارچوب حکومت مذکور بیرون گذاشته شدند، که راه جنگ و تصادم را به پیش گرفتند، و برای حکومت جدید چنین قطب مخالف را ایجاد نمودند تا وقتیکه مصلحتهای ایشان ایجاب مینماید با حکومت درگیر جنگ و تصادم باشند و همواره زمینه تصادم و جنگ وجود داشته باشد.

با وجود این همه یک بار دیگر افغانها احساس نمودند، که تا تهداب کج دیموکراسی که در شهر "بون" آلمان برای افغانستان تدارک دیده شده بود، راست نمایند و سرنوشت سیاسی خویش را بدست خویش و به میل خویش مطابق اصول دیموکراسی تعیین کنند، و از همین سبب بود که با تمام متانت و اخلاص به طرف صندوق رای رفتند، و رای خویش را با متحمل شدن تمام خطرات و چالشها استعمال نمودند، و اراده کرده بودند تا جریان دیموکراسی را در افغانستان تصحیح کنند، اما مثل گذشته باز هم غرب حاضر نه شد، تا به افغانها این حق را که جهت تطبیق آن همین غرب فریبکار داد میزند و شعار بالا میکند را بدهد، تا سرنوشت خویش را خود تعیین کند! اینار و قربانی افغانها هدر رفت و هیچ ارزشی به آن قایل نه شدند، و جریان تطبیق دیموکراسی قربان همان هوس و آرزوی تیکه داران غربی شد، که جهت تطبیق دیموکراسی به افغانستان تشریف آورده بودند! و این واقعیتی است که در تمام جهان اسلام از الجزایر، ترکیه، تونس، مصر گرفته تا عراق، لیبیا، یمن، سوریه شواهد آشکار و روشن آنرا دریافت نموده میتوانیم.

بعد از فروپاشی امپراطوری روس غرب به حرکتهای مسلحانه جهان اسلام متلقت گردیده برای تضعیف و از میان بردن نظام اسلامی بگرض تحقق اهداف خویش از آنها استفاده کرد، بر اساس عملکرد برخی از این گروه ها تلاش بدنام ساختن ارزشهای اسلامی را نمود و تا حدی بزرگ درین دسیسه خویش موفقیت هم حاصل نمود، که حالات و حوادث کنونی جهان اسلام به شکل آشکار و روشن برین امر شاهد است... در پهلوی این حرکت مسلحانه حرکت مسالمت آمیز بنام "اسلام سیاسی" نیز عرض اندام نمود، و طبق اصول دیموکراسی با غرب بازی را آغاز نمود، و ازینرو که در اغلب کشور های اسلامی حکومتهای استبدادی حاکم بود و مردم از جور و ظلم شان به سطوح آمده بودند، بلا درنگ در پهلوی حرکت مذکور استاده شدند و از آن حمایت کردند و رای خویش را در انتخابات اغلب کشورها به نهضت های اسلامی "اسلام سیاسی" دادند. اما طوریکه قبلا اشاره نمودیم، غرب باز هم حاضر نه شد، تا برای تحقق پروسه دیموکراسی متعهد باقی بماند، و به آنعه از حرکتهای اسلامی حق حکمرانی و اقتدار را بدهند، که مطابق اصول دیموکراسی مردم رای خویش را برایشان داده بودند و بالای آنها اعتماد نموده بودند، و در مظهر انتخابات عام و سرتاسری در کشورهای متعدد این حق را کسب نموده بودند.

د پانوی شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

در مجموع مردم مسلمان افغانستان و تمام جهان اسلام از سیاست چند رویه غرب در تطبیق پروسه دیموکراسی نا امید شده اند، هر چند ملت‌های کشوره مذکور با تطبیق پروسه و پدیده دیموکراسی واقعی و صادق استند، به همان پیمان‌ه غرب با ملت‌های مذکور جفا میکنندو دست‌آوردهای دیموکراتیک مردم را احياناً از طریق آوردو های نظام‌های استبدادی سرکوب میکنند، طوریکه در الجزایر و مصر اتفاق افتاد و جریان تطبیق پروسه دیموکراسی را دوباره به نقطه صفر و حالت استبدادی از قیل حاکم شده بر میگرداند و با از طریق تفاهم سیاسی طوریکه در عراق و افغانستان اتفاق افتاد ، که پروسه تطبیق دیموکراسی را با کندی و چالش روبرو میکند. و اعتماد مردم را بالای دیموکراسی از هم میپاشد، و حالت بی نظمی و عدم قانونیت را مستقر میسازد، و زمینه و روحیه تصادم و به میان آمدن مشکلات در امور دولتداری همواره فراهم میباشد.

غرب به علت سیاست چند رویه خویش ملامت و مسوول است، اگر از یک سو شعار تطبیق دیموکراسی ،مبارزه با تروریسم و حمایت از حقوق بشر را بلند میکند از سوی دیگر جلوگیری از تطبیق دیموکراسی، ایجاد عوامل افراطیت و تروریسم، پامال کردن حقوق دیگران ، غارت ثروتها مسلمانان را راه اندازی میکند و روند افراطیت، جنگ و تروریسم را تقویه میکند.

غرب به علت تقویه تروریسم ، افراطیت ... در جهان اسلام ملامت ،مقصر و مسئول است. ملت‌های اسلامی بر اساس عملکرد خویش ثابت نموده اند، که در راندن و سرکوب کردن افراطیت، جنگ ، وحشت و بی نظمی و عدم قانونیت صادق استند و همواره اسلام بر تطبیق قانون( شریعت) در تنظیم امور تاکید ورزیده است، و میخواهند تا ازین پدیده های شوم و مردود رهای یابند و در چارچوب ارشادات اصیل اسلامی که برای همه بشریت سعادت و خوشبختی را میخواهد ، زندگی کنند. اما باز هم همین غرب سرانجام بر عملکرد خویش ثابت می سازد، که علیه مسلمانان دسیایس خویش را یکی پی دیگر براه میاندازد.

یک بار دیگر هفت و هشت ثور دو رویداد متفاوتیکه در تاریخ بشریت تحول بزرگی را رقم زد، اگر از یک سوحوادث رویدادهای مذکور در سرزمین پر افتخار و حماسه آفرین و کوههای پر عظمت وسربلند افغانستان اتفاق افتاد. اما از سوی دیگر تأثیرات بزرگ و عمیق آن به تمام جهان به شکلی سرایت نموده است، که تحولی بسا بزرگی در طرز تفکر، دیدگاه های فکری و دینی و نوعیت برخورد جهت رسیدن به اهداف و پلانهای مرموز استخباراتی، نظامی، سیاسی و اقتصادی ... را بار آورد، و اگر ما افغانها از یک سو قادر برین شدم تا از پیامدهای پلید هفت ثور بشریت را نجات دهیم و اما از سوی دیگر قیادت ما افغانها و اغلب جریانهای اسلامی جسورانه باید اعتراف نماید، که نه توانستند ، تا حماسه هشت ثور را به منفعت خویش و بشریت مدیریت و حفظ نمایم ومتاسفانه تا اکنون پیامدهای هفت و هشت ثور در مجموع به منفعت استعمار غرب تمام شده و ملت قهرمان افغانستان ودر مجموع امت اسلامی با همه ایثار و قربانی را که درین راستا متحمل شده است از آن فیضی نه برده است.

---

د پانیو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزي بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی